

## بیانات در دیدار جمعی از پرستاران سراسر کشور در سالروز ولادت حضرت زینب کبری سلام الله علیها - 11 / دی / 1398

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ [۱]

و الحمد لله رب العالمین و الصلّٰة و السّلام علی سیّدنا و نبینا ابی القاسم المصطفیٰ محمّد و علی آله الاطیبین  
الاطهرین المنتجبین سیّما بقیّة الله فی الارضین.

خیلی خوش آمدید برادران عزیز، خواهران عزیز، جامعه‌ی بسیار باارزش پرستاری؛ هم روز پرستار را به شما تبریک عرض میکنم، هم تبریک عرض میکنم همزمانی روز پرستار را با ولادت حضرت زینب؛ این یک امر مهمی است. آن کسانی که هوشمندانه این نام را، این عنوان را برای روز پرستار، این زمان را برای روز پرستار انتخاب کردند، کار مبارکی انجام دادند؛ حقیقتاً به جا است.

حضرت زینب کبری (سلام الله علیها) یک بانوی برجسته‌ی در تاریخ بشریت است، نه فقط تاریخ اسلام؛ واقعاً این جور است. آن شخصیت مستحکم و قوی، آن انسان بزرگ، آن انسانی که «زن نگر دست خدا در آستین»؛ [۲] آنچنان که او عمل میکند کمتر انسانی - چه مرد، چه زن - میتواند با این قدرت، با این استحکام وارد میدانهای دشوار بشود. این بانوی بزرگ، الگوی پرستاری شناخته شده است و با این نامگذاری بین شما جامعه‌ی پرستاران و بین این بانوی با عظمت یک ارتباط ویژه‌ای برقرار شده؛ این را من به شما تبریک عرض میکنم.  
دو سه مطلب عرض میکنم؛ یکی راجع به مسائل پرستاری، یک جمله هم راجع به مسائل مربوط به نهم دی - که پریروز، روز نهم دی بود - یک اشاره‌ای [هم] به مسائل جاری.

در مورد پرستاری آنچه اعتقاد بنده و دید بنده است این است: من عرض میکنم پرستاری ترکیبی از یک مجموعه‌ی ارزشهای اخلاقی و فضایل انسانی است؛ از شفقت و دلسوزی بگیرید تا مسئولیت‌پذیری، تا صبر و بردباری در برابر بی‌تابی‌ها و کج خلقی‌ها که همه‌ی اینها فضیلت‌های بزرگ انسانی است و مشکلات جوامع بشری غالباً به خاطر نداشتن اینها است و پرستاری مجموعه‌ای از یک چنین ارزشهایی است، تا اهتمام و دقت و رعایت نسبت به آن انسانی که تحت رعایت او است - با دقت، با رعایت، با اهتمام - تا صبر و استقامت و دل‌زده نشدن از مشاهده‌ی سختی‌ها. بعضی از شغلها هست که همه‌ی سر و کار این شاغل، با مناظر زیبا و نیکوی زندگی است؛ شغل شما، شغلی است که سر و کارتان دائماً با بیماری است، با بیمار است، با درد است، با رنج است؛ شما در مقابل اینها، صبر میکنید، دل‌زده نمیشوید، دلسرد نمیشوید، کارتان را انجام میدهید؛ اینها فضایل اخلاقی است؛ لذا این [سخنی] را که من عرض میکنم از روی ایمان کامل عرض میکنم که تکریم پرستار به معنای تکریم فضایل انسانی است؛ اگر ما شخصیت پرستار را برجسته میکنیم و برای پرستار ارزش قائل میشویم - که البته بنده بارها این نکات را گفته‌ام - در واقع ارزش‌گذاری برای فضایل اخلاقی و انسانی کمیاب است؛ اینها فضایل اخلاقی است.

من حالا یک جمله‌ی معترضه‌ای اینجا [در مورد] اینکه گفتم اینها در جامعه کمیاب است، بگویم: درست است که ما از پرستار باید تجلیل کنیم، تکریم کنیم، پرستار را احترام کنیم، اما فراتر از آن، این فضایی را که گفتیم پرستاری ترکیبی از آنها است باید در جامعه گسترش بدهیم؛ ما نیاز داریم، جامعه‌ی ما نیاز دارد. امروز جامعه‌ی ما به شفقت بین افراد و آحاد جامعه احتیاج دارد؛ امروز جامعه‌ی ما به همدلی، به مسئولیت‌پذیری، به بردباری، به صبر، به مانند این چیزها احتیاج دارد. ما امروز در حال حرکت در یک مسیر بسیار مهم، پُرافتخار و خطیر هستیم؛ ما جامعه‌ی ایرانی، داریم به سمت قله‌ای حرکت میکنیم و حرکت به سمت قله لازم دارد، شرایطی لازم دارد؛ در جاده‌های

صاف و آسفالت، آن مراقبت‌ها لزومی ندارد؛ اما وقتی انسان دارد به سمت یک قلّه‌ای حرکت میکند مراقبت‌هایی لازم است. امروز جامعه‌ی ما، کشور ما، مردم ما، احتیاج دارند به این خصوصیات: با هم صبر کنیم، با هم بردبار باشیم، با هم مهربان باشیم، با شفقت باشیم، به هم کمک کنیم. البته جیتت [۳] ایرانی و ریشه‌های اخلاقی ایرانی مسلمان همینها است. خب، شما دیدید در قضایا و بلاایای طبیعی‌ای که پیش می‌آید مردم چطور با دل و جان میروند، حرکت میکنند؛ بله، اینها هست، [اما] باید ترویج بشود، باید توسعه پیدا کند. همه‌ی کسانی که در این زمینه‌ها میتوانند نقش ایفا کنند، [مثل] دستگاه‌های مدیریتی، سازمانهای تبلیغاتی، رسانه‌ها، معلمان دین، حتی فعالان سیاسی باید این فضایل را و دارندگان این فضایل را ترویج کنند تا این فضایل در جامعه‌ی ما گسترش پیدا کند. من در تلویزیون چند شب قبل از این دیدم یک مرد محترمی را نشان داد که نه میلیاردی بود، نه مدیر یک مؤسسه‌ای بود، نه پول بی حساب و کتابی داشت، اما توانسته بود با تلاش و کوشش و جمع کردن اعانت‌های ۲ این و آن، صدها زوج را جهیزیه بدهد؛ انبارش را نشان دادند و بنده در تلویزیون نگاه میکردم؛ بله، اینها را باید ترویج کرد، این انسانها را باید ترویج کرد، این جور کارها را باید ترویج کرد. ترویج فضایل یکی از وظایف همه‌ی آحاد جامعه و کسانی است که میتوانند این کار را انجام بدهند.

یک نکته‌ی مهم در مورد پرستاران – که حالا خوشبختانه آقای وزیر نکاتی را بیان کردند، نکات خیلی خوبی بود، کارهایی را انجام داده‌اند، کارهایی را هم میخواهند انجام بدهند که باید حتماً ان‌شاءالله با سرعت لازم و حکمت لازم این کارها انجام بگیرد – این است که ما نه اینکه بیمارمان را از لحاظ مراقبت به پرستار می‌سپاریم، خودمان هم باید از پرستار مراقبت روحی و جسمی بکنیم. خود این پرستاری که ما به او اعتماد میکنیم، بیمار ما در اختیار او است، انسان بدحال ما که نیاز به مراقبت دارد در اختیار او است، احتیاج به مراقبت دارد؛ باید خسته نشود، باید بی‌حوصله نشود، شرایطی برایش پیش نیاوریم که موجب خستگی و بی‌حوصلگی و بی‌حالی و مانند اینها بشود. پرستاری که فرض بفرمایید ناگزیر است، ناچار است که دو نوبت پشت سر هم کار بکند، برایش حوصله باقی نماند؛ همیشه هم او را ملامت کرد، نمیتواند. بخصوص بانوان پرستار؛ مشکل مسائل خانواده‌شان، فرزندان‌شان، همسرشان، محیط خانوادگی‌شان، همه‌ی اینها باید رعایت بشود. من حالا با آقای وزیر صحبت میکردم قبل از آمدن به جلسه که کاری باید انجام بگیرد تا پرستارها خاطر آسوده‌ای داشته باشند، بتوانند با آسودگی این کار را انجام بدهند. نشاط کاری پرستار، حوصله‌ی پرستار، حضور به موقع پرستار، پاسخگویی به نیازهای خانوادگی پرستار باید مورد توجه مدیران ان‌شاءالله قرار بگیرد؛ بتوانند ان‌شاءالله این کارها را انجام بدهند. البته این کارها دشوار هم هست، زمان‌بر هم هست، لکن بایستی به توفیق الهی همّت کنند؛ چون جامعه‌ی پرستاری جامعه‌ی عزیزی است، جامعه‌ی مهمی است. به مشکلات پرستارها جدّاً رسیدگی بشود، حقشان شناخته بشود، عدالت در مورد کار پرستاران به طور کامل رعایت بشود.

اینکه ایشان گفتند «هویت مستقلی برای پرستار قائل بشویم، نه در ذیل مسائل پزشکی»، مهم است؛ از این قبیل کارها انجام بگیرد. خوشبختانه ما الان ده‌ها هزار دانشجوی پرستاری داریم که اینها وارد مرحله‌ی پرستاری میشوند؛ با یک مدیریت خوب، با یک برنامه‌ریزی خوب، هم در مورد مسائل آموزشی، هم در مورد توزیع متوازن پرستاری در سطح کشور، هم در مورد سطح درآمدی و عایدی شغلی پرستاران، میتوان اینها را مورد توجه قرار داد؛ این جزو اولویتهای نظام سلامت است. و البته پرستار و پزشک مکمل هم هستند؛ پرستار و پزشک رقیب هم نیستند، مکمل یکدیگرند. پزشک مکمل پرستار است، پرستار مکمل پزشک است؛ هر کدام در جایی نقش خودشان را ایفا میکنند. یک موضوع هم مسئله‌ی رعایت حدود شرعی در بیمارستان‌ها است که من خواهش میکنم مسئولین محترم به این موضوع توجه کنند؛ گاهی در بیمارستان‌ها بیمار زن اصرار دارد که پرستارش خانم باشد و این برایش فراهم نمیشود. این چیزها را بایستی با دقت رعایت کنیم.

خب این درباره‌ی پرستار و مسائلی که به نظر ما لازم بود. ما میخواهیم، اصرار میکنیم، دنبال میکنیم و دعا هم میکنیم که ان‌شاءالله جامعه‌ی پرستاری روزبه‌روز با نشاط بیشتر، با انگیزه‌ی بیشتر، با احساس مسئولیتی که

بحمدالله در اینها هست بتوانند کارشان را انجام بدهند.

اما مسئله‌ی نهم دی، [یعنی] دو روز قبل. پاسداشت آزمونهای بزرگ یک ملت، یک مسئله‌ی اساسی است. آزمونهایی سر راه کشورها و ملتها قرار میگیرد که در آن آزمونها گاهی خوب میدرخشند؛ مخصوص ملت ما هم نیست، منتها برای ملت ما در دوران انقلاب و بعد از پیروزی انقلاب تا امروز از این آزمونها زیاد بوده است و از این درخششها هم زیاد بوده است و ملت درخشیده که یکی‌اش روز نهم دی سال ۸۸ بود. یعنی حضور ملت در عرصه‌ی فضای عمومی و در کف خیابانها توانست یک توطئه‌ی ریشه‌دار و مهم را از بین ببرد. پیروز مردم در سرتاسر کشور، آن روز را، آن حرکت را، آن قیام مردمی را گرامی داشتند؛ پاسداشت آن حرکت بزرگ و آزمون بزرگ بود که بسیار چیز لازمی است.

یک نکته‌ی بسیار مهمی وجود دارد که ملت ایران خوشبختانه با بصیرتی که دارند، به این نکته کاملاً توجه کردند. خب مردم یک مطالباتی دارند؛ در اغلب موارد هم حق با مردم است؛ مطالباتی دارند، توقعاتی دارند، انتظاراتی دارند و اگر نشود اعتراض میکنند. مطالبات مردم یک مسئله است، فتنه‌سازی به خاطر مطالبات یک مسئله‌ی دیگر است؛ این دو می کار دشمن است، کار دوست نیست. دوست وقتی میبیند ماشینی کند حرکت میکند و در سربالایی درست نمیتواند حرکت کند، کمک میکند، هل میدهد تا ماشین حرکت کند، یا اگر ماشین خاموش شده روشن بشود؛ دوست این جوری است که وارد صحنه میشود اما این جور حرکت میکند. دشمن چه کار میکند؟ وقتی دید ماشین حرکت نمیکند، باد لاستیک ماشین را خالی میکند، یا فرض کنید که میزند فلان قسمت ماشین را که فعال است از بین میبرد؛ کار دشمن این است. و دشمنان از اول انقلاب دائم مشغول همین کارها بوده‌اند. امسال هم البته در آبان ملاحظه کردید - که حالا یک جمله‌ی جالبی در این زمینه وجود دارد که بعد عرض میکنم - مردم مطالباتی داشتند؛ دشمنی که افرادی را آماده کرده بود، از این فرصت مطالبات استفاده کرد، فوراً وارد شد، شروع کرد تخریب کردن. بصیرت مردم، اینجا بود که بمجرد اینکه دیدند حساب، حساب تخریب و زدن و آتش زدن و نابود کردن و زیربناها را خراب کردن است کنار کشیدند. مطالبات مردم، بود و هست اما حاضر نشدند با فتنه‌گر همراهی کنند؛ کنار کشیدند، فتنه‌گر تنها ماند؛ این مهم است. فتنه‌گر سعی میکند خود را در میان مردم پنهان کند. بصیرت و هوشیاری مردم غائله را ختم کرد؛ هم در آبان امسال، هم در سال ۸۸، هم در طول سالهای گوناگون از اول انقلاب تا امروز؛ [این به خاطر] بصیرت مردم بود. در همین یک ماه قبل از این، در این قضایا مردم خودشان را کنار کشیدند و از فتنه‌گران [جدا کردند]؛ بعد از دو سه روز هم آمدند وسط خیابان و آن اجتماعات عظیم در شهرهای گوناگون کشور به وجود آمد؛ اینها بصیرت مردم و آگاهی مردم است.

به نظر من و آن چیزی که من احساس میکنم، آن کسانی که از مطالبات مردم سوءاستفاده میکنند، غالباً کسانی‌اند که با سرویس‌های اطلاعاتی دشمنان سر و کار دارند؛ غالباً این جور است. حالا یک عده‌ای هم البته [به طور] هیجانی ممکن است وسط میدان بیایند، اما در بین آن کسانی که صورتهایشان را میبندند، به انبار بنزین حمله میکنند، به انبار گندم ذخیره‌ی کشور حمله میکنند که آتش بزنند، در شهر راه می‌افتند زیربناها را تخریب میکنند - چه متعلق به دولت، چه متعلق به مردم - بندرت ممکن است کسانی باشند که فقط صرف هیجان اینها را کشانده باشد؛ به اعتقاد بنده دست‌اندرکاران و گردانندگانشان با سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه مرتبطند؛ آنها میدانند که چه کسانی هستند؛ اینها را آماده نگه داشته‌اند تا یک بهانه‌ای پیش بیاید، بیایند وسط میدان.

حالا آن نکته‌ای که عرض کردم، این است: یکی از مسئولان بلندپایه‌ی کشور، همین تازگی به بنده میگفت در ملاقاتی که داشتند با یک سیاستمداری از سیاستمداران خارجی، به این مسئول ما گفته بود که در روز اول حادثه‌ی آبان ماه که روز شنبه بود، در واشنگتن بوده؛ آمریکایی‌ها - [یعنی] همین سران واقعاً سفیه آمریکا - خوشحال بودند، اظهار خوشحالی میکردند؛ خبرهای ایران میرسید، به قدر [زیادی] خوشحال بودند. آن سیاستمدار میگوید

آمریکایی‌ها به من گفتند: «کار ایران تمام است»؛ [۴] این سیاستمدار گفته بود: «نه، ایران قوی است؛ در مقابل این حوادث حادثه‌ای [برایش رخ نمیدهد]». گفتند: «نه، این قضیه با قضایای قبلی فرق دارد، حالا اصلاً جور دیگر است، تمام شد». بعد، فردا پس‌فردایش خب قضیه جمع شد دیگر؛ این هنوز آنجا بوده، میگفت: «خیلی ناراحت بودند، خیلی اوقاتشان تلخ بود که به جایی نرسید و قضایا تمام شد»؛ آمریکایی‌ها این [جوری] هستند. شما الان ملاحظه کنید در عراق دارند چه میکنند، در سوریه چه میکنند؛ انتقام داعش را از حشدالشعبی دارند میگیرند! [۵] چون حشدالشعبی وارد میدان شد و داعشی را که اینها ساخته و پرداخته بودند زمین‌گیر کرد، ازاله [۶] کرد؛ اینها دارند در واقع انتقام آن را میگیرند؛ یک چیزی را بهانه میکنند، به خاک عراق حمله میکنند، عده‌ای را شهید میکنند. نه فقط من، هم من، [هم] دولت و ملت ایران، بشدت این جنایت آمریکا را محکوم میکنیم.

حالا نکته‌ی قابل توجه این است که وقتی از این حوادث و از این قبیل قضایا برای آمریکایی‌ها پیش می‌آید که حالا ملاحظه میکنید در بغداد و در واقع در سراسر عراق هیجان ضدآمریکایی چقدر است، باز آن جناب توثیت کرده [۷] – یا سخنرانی میکنند یا توثیت میکنند یا مقاله مینویسند – که ما این را از چشم ایران می‌بینیم، دست ایران است و ما پاسخ به ایران خواهیم داد. اولاً غلط میکنید! ربطی به ایران ندارد؛ ثانیاً منطقی باشید، که نیستید؛ آمریکایی‌ها منطقی باشند، – که [البته] منطقی نیستند – بفهمند که مردم کشورهای این منطقه از آمریکا متنفرند؛ این را چرا نمیفهمند آمریکایی‌ها؟ شما آمریکایی‌ها در عراق جنایت کردید، در افغانستان جنایت کردید، آدم کشتید. آمریکایی‌ها در اوایل بعد از زوال صدام، به وسیله‌ی دستگاه‌های خبیثی مثل بلک وواتر [۸] و مانند اینها، شاید بیش از هزار نفر دانشمند عراقی را ترور کردند و کشتند و از بین بردند؛ به خانه‌های مردم حمله کردند، مرد خانه را در مقابل همسرش، در مقابل فرزندانش روی زمین خواباندند و با چکمه صورتهای آنها را لگد کردند؛ شما از این کارها کردید. شما آمریکایی‌ها در افغانستان کاروان شادی عروسی را بمباران کردید؛ نه یک بار، نه دو بار، ده‌ها بار؛ مجلس عزا را بمباران کردید، شماها جنایت کردید، مردم از شماها متنفرند؛ مردم افغانستان، مردم عراق، مردم سوریه و نقاط دیگر. حالا اسم نمیخواهیم بیاوریم، بعضی از کشورها هستند که دولتهایشان یک خرده‌ای ملاحظه میکنند، [اما] ما میدانیم، اطلاع داریم که مردمشان بشدت متنفر از آمریکایند. خب متنفرند، این تنفر یک جا بیرون میزند، به ایران چه ربطی دارد؟ منطقی نیستند، این را نمیفهمند. لازمه‌ی حرکت سیاسی و امنیتی از نوع آنچه آمریکایی‌ها در منطقه دارند انجام میدهند، همین نفرت است. به مردم ظلم میکنند، منافع مردم را غارت میکنند، با مردم تکبر میکنند. مسئول آمریکایی وارد فلان کشور میشود، میرود در پایگاهی که نظامیان خودشان هستند، بدون اجازه هم احتمالاً وارد کشور شده، آن وقت رئیس آن کشور را دعوت میکند که بیا اینجا در پایگاه؛ خب مردک! اینجا خانه‌ی دیگران است، تو با اجازه‌ی چه کسی، با کدام مجوز، با کدام اخلاق سیاسی توقع داری که بروی داخل فلان پایگاه مربوط به خود آمریکایی‌ها در این کشور، رئیس آن کشور را بخواهی که اینجا بیاید و اگر نیاید عصبانی بشوید؟ این جوری هستند، این جوری برخورد کردند. خب وقتی این جوری برخورد میکنند بدیهی است که این موجب نفرت مردم، موجب عصبانیت مردم از آمریکا میشود، آن وقت این یک جایی خودش را نشان میدهد، در جاهایی خودش را این عصبانیت نشان میدهد؛ که [الان] دارد نشان میدهد. [۹]

جمهوری اسلامی اگر تصمیم بگیرد با کشوری معارضه کند، مبارزه کند، صریح انجام میدهد این کار را. ما به منافع و مصالح کشورمان و ملتیمان بشدت پایبندیم؛ ما به عزت ملتیمان بشدت پایبندیم؛ ما به پیشرفت و عظمت ملت ایران بشدت پایبندیم؛ هر کسی اینها را تهدید بکند، ما بدون هیچ ملاحظه‌ای با او روبه‌رو میشویم و ضربه‌مان را وارد میکنیم. خدا را شکر میکنیم که مردم عزیزمان، ملت ایران، ملت شجاعی هستند، ملت با بصیرتی هستند، ملت آماده به کاری هستند، مردانشان، زنانشان، جوانانشان، غیر جوانانشان آماده‌ی به کارند و در عرصه هستند. و اینکه حالا بعضی‌ها میگویند جنگ میشود، درگیری میشود؛ نه، ما هرگز کشور را به سمت جنگ نمیبریم، لکن اگر چنانچه دیگران بخواهند چیزی را بر این کشور تحمیل کنند، ما با قدرت تمام در مقابلشان می‌ایستیم. و معتقدیم که خدا

با ما است ؛ معتقدیم که پیروزی متعلق به ما است ؛ معتقدیم که فردای این کشور از امروز این کشور بمراتب بهتر خواهد بود، کماینکه امروزش از دیروزش بمراتب بهتر است.  
رحمت خدا بر شهیدان عزیز و بر امام بزرگوار شهیدان که این راه را در مقابل ما باز کردند و تفضلات خدا شامل حال همه‌ی شما عزیزان باد.  
والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته

- [۱] در ابتدای این دیدار، آقای دکتر سعید نمکی ( وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ) مطالبی بیان کرد.
- [۲] عثمان سامانی. گزیده‌ی دیوان، گنجینه‌الاسرار ( با اندکی تفاوت ) ؛ «زن مگو خاک درش نقش جبین / زن مگو دست خدا در آستین»
- [۳] سرشت، فطرت
۲. کمکهای نقدی یا غیر نقدی که برای انجام کار خیر جمع‌آوری میشود.
- [۴] شعار مرگ بر آمریکای حضاّر
- [۵] جنگنده‌های آمریکایی در هشتم دی ماه ۱۳۹۸، چند مقر از گردانهای حشدالشعبی عراق را در مرز سوریه بمباران کردند که تعدادی شهید و زخمی شدند.
- [۶] از بین بردن
- [۷] اشاره به پیامی که دونالد ترامپ ( رئیس جمهور آمریکا ) در توئیتر منتشر و ایران را تهدید کرد.
- [۸] یک شرکت نظامی خصوصی آمریکایی
- [۹] در دهم دی‌ماه ۹۸ مردم عراق در محکومیت بمباران پایگاه‌های حشدالشعبی، به سفارت آمریکا در بغداد حمله کردند.